

شادی گمشده انسان مدرن

فلسفه شادکامی در گفتوگو با ویراستار کتاب

پریسا صادقیه

پژوهش‌های نوظهور در زمینه شادی، پرسش‌های فلسفی دیرینه در این حیطه را دوباره بیدار کرده‌اند و جان تازه‌ای به آنها بخشیده‌اند. لورینال. برسر با تحلیل این پژوهش‌ها از منظر فلسفی و درهم‌آمیختن نتایج مشارکت سایر حوزه‌ها در این حیطه، به درکی عمیق و منسجم از شادکامی دست یافته است که در عین حال برای افراد غیرمتخصص نیز قابل فهم است. «فلسفه شادکامی» نخستین کتابی است که به طور کامل، موضوعات نظری بنیادین مطرح در تمام مناقشات مهم معاصر در مورد شادکامی را بررسی می‌کند. به مناسبت انتشار این کتاب با ویراستار آن توج‌الله وردی، دانش‌آموخته فیزیک و فلسفه علم و ویراستار این کتاب گفتوگویی صورت دادیم که از نظر می‌گذرد.

□□□

موضوع شادکامی و فلسفه شادکامی را از چه جهت مهم می‌دانید؟

اجازه بدهید ابتدا در مورد شادکامی صحبت کنم و سپس چند نکته را درباره اهمیت فلسفه شادکامی یادآوری کنم. صحبت در مورد اهمیت مفهوم شادکامی را با نقل قولی از خانم بسر، نویسنده کتاب آغاز می‌کنم: «شادی یکی از مهم‌ترین چیزها در زندگی است و برای بسیاری از ما کلام آخر است. درحالی که می‌دانیم شادی ممکن است تنها موضوع بااهمیت نباشد اما یافتن کسی که صادقانه معتقد باشد شادکامی بی‌اهمیت است کار بسیار دشواری است. در واقع اگر زمانی با چنین شخصی برخورد کنیم ... نگران این شخص خواهیم شد. چه کسی ممکن است فکر کند که شادی چیز خوبی نیست؟» این سخنان به خوبی نشان می‌دهند که در نگاه خانم بسر و در بافتار فرهنگی مدنظر او، پراهمیت بودن شادکامی چیزی نزدیک به بدیهی است. البته قطعاً اهمیت شادکامی در برخی فرهنگ‌ها بیشتر از فرهنگ‌های دیگر است و این در جای خود بسیار

قابل تامل است، اما اجازه بدهید همدلانه از این رویکردهای متفاوت عبور کنیم و در این مورد با نویسنده کتاب همگام شویم و بپذیریم که شادکامی در بافتار فرهنگی بسیاری از کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهود ما هم احتمالاً چنین باوری را تایید می‌کند. از نظر نویسنده کتاب اما، شادکامی نه تنها اکنون بلکه همواره مفهوم مهمی بوده است. از منظر تاریخی، شادکامی یکی از مفاهیم اصلی مورد توجه فیلسوفان بزرگ است. بسیاری از فیلسوفان برجسته - از افلاطون، ارسطو و اپیکور گرفته تا میل و بنتام و فیلسوفان معاصر نظیر نوزیک - مفهوم شادکامی را مورد تحلیل قرار داده‌اند و بر اهمیت آن (و گاه اهمیت منحصر به فرد آن) تاکید کرده‌اند، بنابراین مفهوم شادکامی، از گذشته تا اکنون همواره مفهوم مهمی بوده است.

□ آیا به نظر شما اهمیت شادکامی در حال حاضر بیش از اهمیت آن در گذشته است؟

احتمالاً اهمیت شادکامی از منظر استدلال‌های فلسفی تفاوت زیادی نکرده است. به این معنا بسیاری از استدلال‌های پیشین با همان درجه اهمیت، اکنون نیز معتبرند، اما به نظر می‌رسد اهمیت شادکامی به دو دلیل بیشتر شده است؛ نخست به این دلیل که دانش علمی ما در مورد شادکامی و تاثیر مثبت آن بر انسان افزایش پیدا کرده است. به عنوان مثال مطالعات اخیر، همبستگی بین شادکامی و سلامت قلب یا تقویت سیستم ایمنی را نشان می‌دهند. پژوهش‌های معتبری از این دست، اکنون بسیارند. دوم هم به این دلیل که انسان در دوران مدرن و به‌ویژه در دهه‌های اخیر با مشکلات روانی متعددی نظیر افسردگی گسترده روبه‌رو شده است و شادکامی نقش پررنگی در تعدیل آن دسته از مشکلات ایفا می‌کند. برخی از آینده‌پژوهی‌ها نشان می‌دهند که طیف وسیعی از مردم تا سال 2050 میلادی مشکلات روانی نظیر افسردگی یا اضطراب را به شکلی جدی تجربه خواهند کرد، بنابراین اهمیت شادکامی از نظر علمی و به لحاظ کارآمدی عملی بیشتر شده است.

□ چرا این کتاب خاص برای ترجمه انتخاب شد؟

اگر بپذیریم شادکامی مفهوم مهمی است و در دوران کنونی کارآمدی بالایی در حل برخی مشکلات جدی انسان معاصر به‌ویژه در سطح روان دارد، آنگاه دو نیاز جدی شکل می‌گیرد؛ نخست اینکه این مفهوم مهم باید تدقیق شود. به قول خانم بسر: «به‌رغم توافق گسترده در مورد اهمیت شادکامی، مفهوم شادکامی برای بسیاری از ما همچون یک راز است.» این مفهوم شادکامی که تا این اندازه مهم است چیست؟ آیا

می‌توان تعریفی واحد از شادکامی ارائه کرد؟ آیا دریافت همه ما از شادکامی یکسان است؟ تصور ما از شادکامی تا چه اندازه با تعریف فیلسوفان از شادکامی سازگار است؟ آیا تعریف روانشناسان از شادکامی با تعریف فیلسوفان از شادکامی بر هم منطبق است؟ آیا شادکامی با به‌زیستی مرتبط است؟ با لذت چطور؟ چه چیزی سبب شادکامی ما می‌شود؟ علم شادکامی چه علمی است؟ آیا ملاحظات شادکامی را باید در اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی هم لحاظ کرد و بسیاری از این قبیل پرسش‌ها. یکی از وظایف اصلی فلسفه شادکامی به عنوان یک حوزه اندیشه‌ورزی، تدقیق مفهوم شادکامی است. دوم اینکه اگر مفهوم شادکامی در حل برخی مشکلات انسان امروز کارآمدی بالایی دارد باید اطلاعات عمومی مردم درباره این مفهوم را بدون وارد شدن به جزئیات فنی بالا برد. احتمالاً یکی از مزایای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی از شادکامی، افزایش سطح سلامت روان جامعه خواهد بود. دیگر آنکه ممکن است در سطح سیاست‌گذاری هم مطالبه‌های درستی شکل بگیرد. کتاب «فلسفه شادکامی، مقدمه‌ای میان‌رشته‌ای» هر دو هدف بالا را تا حد قابل قبولی محقق می‌کند. واقعیت این است که چند کتاب معتبر دیگر هم با عنوان فلسفه شادکامی یا عناوینی مشابه در دسترس بودند اما در میان تمام آنها، تنها این کتاب بود که هم هر دو هدف بالا را محقق می‌کرد و هم متنی غیرپیچیده و کمتر فنی داشت. البته یک دلیل دیگر هم در این مورد وجود داشت و آن هم سبک نگارش خانم بسر بود که اگر فرصت شد در پایان به آن اشاره خواهیم کرد.

□ کمی هم در مورد بخش‌های مختلف کتاب توضیح دهید.

کتاب با یک فصل مقدماتی و با نگاهی تاریخی به مفهوم شادکامی آغاز می‌شود. در ادامه، مطالب کتاب در سه بخش اصلی و سیزده فصل ارائه شده‌اند. فصل آخر هم یک نتیجه‌گیری نسبتاً خلاصه و کوتاه و البته بسیار مفید از کل کتاب است. بخش اول کتاب با عنوان «نظریه»، به کاوش نظریه‌های فلسفی پیشرو در مورد چیستی شادکامی می‌پردازد. لذت‌باوری، نظریه حالت هیجانی و شادی به عنوان رضایت، بخشی از موضوعاتی هستند که در چهار فصل این بخش بررسی شده‌اند. بخش دوم که ماهیت میان‌رشته‌ای دارد و بخش بسیار جذابی است تحت عنوان «چه چیزی سبب شادی ما می‌شود؟» ارائه شده است. این بخش شامل شش فصل است و از نقش ثروت، فضیلت و روابط در موضوع شادکامی گرفته تا قالب ذهنی و پارادوکس شادکامی و بحث بسیار جذاب اصالت و فریب را در بر می‌گیرد. احتمالاً این بخش برای تمام افراد، فارغ از پیشینه‌ای که دارند مفید و جذاب خواهد بود. بخش سوم هم با عنوان «بافتار

شادکامی»، به بررسی تاثیر پژوهش شادکامی در زمینه‌های روانشناسی، اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی و همچنین مشکلات موجود در انجام پژوهش‌های تجربی درباره شادکامی می‌پردازد. به باور نویسنده، این بخش «به طور کلی برای علاقه‌مندان به شناخت ظرفیت بالقوه پژوهش شادکامی برای تغییر شیوه تفکر ما نسبت به خودمان، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی‌مان و اولویت‌هایمان در سیاست‌گذاری عمومی، جالب توجه خواهد بود.» نهایتاً در فصل آخر هم، نتیجه‌گیری خلاصه و مفیدی از کل کتاب ارائه شده است.

□ اگر توضیحی تکمیلی در مورد کتاب دارید آن را با خوانندگان در میان بگذارید.

اجازه بدهید ابتدا کمی در مورد خانم بسر نویسنده کتاب صحبت کنم. لورینال، بـِـسـِـر، استاد فلسفه در کالج میدلبری است و مقالات بسیاری در زمینه روانشناسی اخلاق، به‌زیستی و اخلاق فضیلت‌محور منتشر کرده است. خانم بسر بدون اغراق معلمی تواناست. تاکیدم روی معلم بودن به این دلیل است که شما در جای‌جای کتاب این را حس می‌کنید که انتقال مطالب کتاب به خواننده برای ایشان مهم است و خوب به نظرم این يك ویژگی پراهمیت برای يك نویسنده است؛ چیزی که در بخشی از نویسندگان حوزه فلسفه نمی‌بینیم. کتاب فلسفه شادکامی، به گونه‌ای نوشته شده است که برای تمام افراد قابل استفاده باشد. نکته انتهایی اینکه این کتاب از آن دست کتاب‌هایی نیست که حقیقتی واحد در مورد شادکامی را برای شما آشکار کند. به بیان ساده‌تر از آن دست کتاب‌هایی نیست که بعد از خواندن آن بگویید، چه جالب! خوب دیگر فهمیدم شادکامی چیست و اکنون می‌توانم آن را در يك جمله خلاصه و تعریف کنم. این کتاب به شما خواهد گفت اگر شادی را هم‌بسته یا معادل لذت در نظر بگیرید این مزایا و این معایب را خواهد داشت و اگر آن را به عنوان رضایت از زندگی در نظر بگیرید آن مزایا و آن معایب را خواهد داشت و... به همین ترتیب، در يك کلام، خواندن این کتاب به درك طرح کلی شادکامی کمک خواهد کرد.

لورینال، بـِـسـِـر، استاد فلسفه در کالج میدلبری است و مقالات بسیاری در زمینه روانشناسی اخلاق، به‌زیستی و اخلاق فضیلت‌محور منتشر کرده است. خانم بسر بدون اغراق معلمی تواناست. تاکیدم روی معلم بودن به این دلیل است که شما در جای‌جای کتاب این را حس می‌کنید که انتقال مطالب کتاب به خواننده برای ایشان مهم است

کتاب فلسفه شادکامی،

به گونه‌ای نوشته شده است که برای تمام افراد قابل استفاده باشد. نکته انتهایی اینکه این کتاب از آن دست کتاب‌هایی نیست که حقیقتی واحد در مورد شادکامی را برای شما آشکار کند. به بیان ساده‌تر از آن دست کتاب‌هایی نیست که بعد از خواندن آن بگویید، چه جالب! خب دیگر فهمیدم شادکامی چیست

نگاهی به کتاب «جستارهایی در زیبایپشناسی سازمان»

مدیریت زیبایپشناسانه

احمد میمندي

در ادبیات علمی و محاورات رشته مدیریت، این عبارت همواره مطرح است که مدیریت ترکیبی است از علم و فن و هنر. به بیان دیگر مدیر موفق باید همزمان از دانش، مهارت و شم و کاریزم‌های مدیریت برخوردار باشد. اما به‌رغم تکرار و تواتر این اندیشه، کمتر به این معنا توجه شده که هنر و ادراک و احساس و ابراز هنری چه رهیافتی در عرصه مدیریت و سازمان دارد و رویکردهای زیبایپشناسانه که برآمده از فلسفه و هنر است چگونه می‌تواند باری جدید در عرصه مدیریت بگشاید و نگاهی متفاوت بر این عرصه حاکم کند. به عبارت دیگر در فضای علم مدیریت که از زمان پیدایش خود به عنوان رشته علمی متعین و منسجم (حدود صد سال پیش) تا حد زیادی متأثر از پارادایم مدرنیسم بوده است، انگاره‌های پسامدرنیستی زیبایپشناسانه و ابزارها و ظرفیت‌های هنری چه راهی برای ورود و عرضه دارند. این پرسش دغدغه اصلی نگارش کتاب «جستارهایی در زیبایپشناسی سازمان» به قلم محمد ذاکری است.

محمد ذاکری مدرس مدیریت در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تهران، در مقدمه کتاب، پس از طرح مساله و بیان دغدغه و انگیزه خود از نگارش کتاب تصویر نسبتاً جامعی از ساختار و محتوای آن به دست می‌دهد و به طرح چند پرسش اساسی می‌پردازد که فصول کتاب برای پاسخ به این پرسش‌ها نگاشته شده‌اند. فصل اول این کتاب تلاش می‌کند مخاطبین را با مفهوم زیبایی و زیبایپشناسی آشنا کند. از دید

نویسنده، فلسفه متکفل اصلی تبیین و تشریح این مفاهیم است و بدین منظور تلاش می‌کند دیدگاه اندیشمندان باستان چون افلاطون و ارسطو و فلوطین، دیدگاه فلاسفه متاله همچون آکویناس و جوادی آملی را در باب زیبایی و اندیشمندی همچون هیوم، کانت و بامگارتن در باب زیبایی‌شناسی را مختصراً معرفی کند. در انتهای این فصل نیز بای به زیبایی‌شناسی امر روزمره با تکیه بر اندیشه‌های جان دیویی می‌گشاید و می‌نویسد: «چگونه می‌توان به فردی که سال‌هاست در ساعت معینی وارد محل کار خود شده و در ساعت معینی از آن خارج می‌شود و همه روزه به کار مشابهی اشتغال دارد، کمک کرد زیبایی‌های کار و سازمان خود را دریابد. چگونه می‌توان ظرفیتی برای مدیران سازمان‌ها ایجاد کرد تا با افزایش کیفیت تجربه‌های زیبایی‌شناسانه، حال و هوای بهتری برای خود، کارکنان و مراجعان‌شان فراهم سازند.» (ص ۳۴) فصول آتی این کتاب قرار است بدین پرسش‌ها پاسخ دهد. فصل دوم به تشریح ابعاد و مفاهیم زیبایی‌شناسی سازمان پرداخته و بدین منظور گذار نظری از انگاره‌های مبتنی بر مدرنیسم به پست مدرنیسم را مطرح کرده و می‌گوید: «این رشته از دهه ۱۹۹۰ وارد عرصه مطالعات سازمان و مدیریت شده ... با این حال، همواره هم به عنوان یک سنت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در سایه سنت پوزیتیویسم و عقلانیت ابزاری قرار گرفته و هم ابعاد زیبایی‌شناسانه فرآیندهای سازمانی مورد کم‌توجهی پژوهشگران و کاروران سازمان قرار داشته است.» (ص ۳۹) مقولاتی همچون زیبا، زشت، والا، کم‌دی، دلپذیر، موزون، تراژیک و مقدس به عنوان مقولات زیبایی‌شناسی سازمانی مطرح شده و گونه‌شناسی رویکردهای مطالعاتی این رشته براساس دو بعد محتوا (زیبایی‌شناسی و ابزاری) و روش (عقلایی و ابزاری) واکاوی شده‌اند.

پس از طرح تعاریف و مفاهیم، دو پرسش دیگر مطرح شده است؛ نخست آنکه مهم‌ترین تجلیات کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه در سازمان چیست؟ دوم آنکه با توجه به پیوند وثیق زیبایی‌شناسی با هنر؛ فعالیت‌ها، بداعت‌ها و صناعت‌های هنری در کدام ابعاد فعالیت سازمان رخ‌نمایی بیشتری دارند؟ پاسخ نویسنده به این دو پرسش، دو حوزه اصلی از ابعاد محتوایی سازمان است: رهبری و فرهنگ. بر این اساس فصل سوم کتاب را به زیبایی‌شناسی رهبری اختصاص داده است. در این فصل پس از اشاره به برخی مولفه‌های زیبایی‌شناسی رهبری همچون حس-آگاهی و همدلی، جسم-آگاهی، گرایش به زیبایی، زیست در لحظه و درک چشمانداز دیگران، آموزه‌هایی از رهبری ارکستر و کارگردانی تئاتر برای رهبران سازمانی ذکر شده است.

از فصل چهارم تا هشتم کتاب نیز به ابعاد و جنبه‌هایی از فرهنگ سازمانی پرداخته شده است. فصل چهارم ابتدا رابطه اخلاق و زیبایی

را در دیدگاه برخی اندیشمندان غربی و ایرانی همچون افلاطون، فلوپین، شیلر، شفستبری، هیوم، علامه طباطبایی، علامه جعفری و سروش بررسی کرده و سپس دیدگاه‌های اصلی در حوزه اخلاق و زیبایی‌شناسی سازمانی را در دو محور تبیین‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ارائه کرده است. در فصل پنجم موضوع داستان‌سرایی در سازمان مورد توجه قرار گرفته و نویسنده در بیان ضرورت پرداختن به این مقوله می‌نویسد: «نخست آنکه داستان به خاطر برخورداری ذاتی از عناصر هنری و روایی خود یکی از جلوه‌های هنر و زیبایی‌شناسی سازمانی است و دیگر آنکه آشنایی با جلوه‌های زیبایی‌شناسانه داستان‌های سازمانی برای گسترش این ابزار و اثربخشی بیشتر آن حائز اهمیت است.» (ص ۱۶۴)

این فصل معنای ادراکی، پیوستگی و لذت‌بخشی را سه عنصر اصلی زیبایی‌شناسانه داستان‌های سازمانی معرفی کرده و می‌گوید: «دیدگاه زیبایی‌شناسی، تعریفی از داستان‌سرایی خوب و بد ارائه می‌دهد. داستان‌های خوب شامل یک تجربه زیبایی‌شناسی قوی هستند که معنای ادراکی و حس پیوستگی و لذت را فراهم می‌کند. داستان‌های بد، تجربه زیبایی‌شناسی بسیار ضعیفی را ارائه می‌دهند و بدون هیچ‌گونه معنای ادراکی کلی و حس پیوستگی، مخاطبان را با درک معنای عقلانی داستان تنها می‌گذارد.» (ص ۱۹۰)

فصل ششم از موسیقی و عنصر بداهه‌پردازی موسیقی برای طرح موضوع بداهه‌پردازی در سازمان و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه آن به عنوان یک ابزار جدید برای رویارویی با پیچیدگی‌های سازمان‌های جدید سخن می‌گوید. این فصل ابتدا ریشه‌های بداهه‌پردازی را در سنت موسیقی ایرانی و موسیقی جاز رهیابی کرده و آموزه‌هایی از بداهه‌پردازی موسیقایی را برای مدیران و سازمان‌های امروزی ذکر می‌کند. رضا نجف‌بیگی، استاد پیشکسوت مدیریت، این فصل را باب تازه‌ای در کتب مدیریت دانسته است. فصل نهم تئاتر سازمانی را به عنوان یک ابزار هنری دیگر برای تحقق اهداف و منویات سازمان خصوصاً در عرصه فرهنگ سازمانی و پروژه‌های توسعه و بهبود و تحول معرفی می‌کند. «مداخلات تئاتری آن‌قدرها هم که به نظر می‌رسد، جدید نیست. حتی در عهد باستان نیز استفاده از تئاتر برای بیان نگرانی‌ها، آشکار ساختن اختلافات و انعکاس افکار یا زمینه‌سازی بحث روی موضوعات و مسائل مختلف به عنوان یک سنت وجود داشت... در دوره معاصر نیز همچون دنیای باستان، تئاتر سازمانی در بیشتر موارد به مثابه یک ابزار ارتباطی در بستر شرایط تغییر و تعارض به کار می‌رود.» (ص ۲۴۰)

در ادامه انواع و گونه‌شناسی‌های تئاتر سازمانی تشریح شده و تغییر و توسعه سازمانی، کنترل سازمانی، زیبایی‌شناسی و لذت و توانمندسازی به عنوان کاربردهای تئاتر سازمانی ذکر شده است. فصل هشتم نیز محیط فیزیکی کار و دکوراسیون سازمانی را

موردتوجه قرار داده و از سه منظر ابزاری و کارکردی، نمادین و زیباییشناسانه بدان پرداخته است. از نگاه نویسنده «درنظر گرفتن سه رویکرد فوق موجب ارتقای طراحی دفاتر کار خواهد شد تا بتواند هم فضای مناسب برای انجام وظایف کارکنان را فراهم آورد، هم ارزشها، باورها و هنجارهای سازمان را در قالب نمادها عرضه و ترویج کند و هم موجب لذت بردن کارکنان از ساعات حضور در فضای سازمان و تعلق و وابستگی بیشتر آنها شود.» (ص307)

این کتاب به واسطه ورود به عرصه فکری پست‌مدرنیسم در نظریه سازمان و مدیریت و رویکردی بین‌رشته‌ای اثری بدیع در رشته علمی مدیریت تلقی می‌شود، اما در عین حال نتوانسته همه ابعاد زیباییشناسی سازمان را دربر بگیرد. موضوعی که نویسنده خود نیز به عنوان يك محدودیت در مقدمه کتاب بدان اذعان کرده است. همچنین ممکن است برخی مباحث فلسفی یا هنری مطرح شده در کتاب برای مخاطب اصلی آن که دانشجویان و پژوهشگران حوزه مدیریت است نامأنوس و نامرتبط باشد.

کتاب جستارهایی در زیباییشناسی سازمان، چاپ اول آن در 310 صفحه در قطع رقعی و به همت انتشارات سیاهرود در زمستان 1401 وارد بازار نشر شده است.

منبع: روزنامه اعتماد 15 آذر 1402 خورشیدی